

توزیع قدرت

غلامعباس توسلی، روزنامه اعتماد، ۳ آذر ۱۳۸۸

اگر بخواهیم به بحث نظارت عمومی به صورت کلی یا جزیی بپردازیم، باید این نکته را یادآور شویم که این موضوع در ابتدا باید در چارچوب قانون بررسی شود چراکه در قانون چارچوب دستگاه های نظارتی به خوبی معین شده است و طبق این چارچوب تعیین شده در قوانین می توان نحوه عملکرد سیستم های نظارتی را بررسی کرد. در یک نظام جمهوری یا دموکراتیک نیز نمایندگان مردم در مجلس برای دفاع از حقوق آحاد افراد جامعه فعالیت می کنند و با مورد توجه قرار دادن این مطلب می توان گفت نمایندگان مجلس به طور مستقیم نمایندگان مردم در حاکمیت هستند.

سایر مجریان نیز به طور غیرمستقیم به عنوان وکیل مردم محسوب می شوند و حق نظارت بر عملکردها، تصمیم گیری ها و سیاستگذاری ها را دارند. این حق می تواند به صورت یک قانون مدون وجود داشته باشد یا به صورت یک قرارداد اجتماعی تنظیم شده باشد. البته منظور یک قرارداد اجتماعی است که حتی در یک چارچوب معین، همگان خود را موظف به رعایت آن بدانند و به آن عمل کنند. در این راستا بد نیست با توجه به عملکرد مجلس و نحوه تصمیم گیری های مجلس به واژه های مرسوم چون دولت سالاری یا مردمسالاری اشاره شود.

البته این واژه ها تاریخچه یی قدیمی در ادبیات سیاسی دارند که پرداختن به آن از حوصله این بحث فراتر خواهد رفت اما آنچه در این مورد می توان گفت این است که مردمسالاری مرحله دارد که هر کدام از این مراحل از نظر عمقی با یکدیگر متفاوتند. در جایی که دموکراسی به صورت واقعی برقرار است فقط انتخاب نمایندگان به عنوان نماینده مردم کافی نیست بلکه نمایندگان مجلس به نظرسنجی از مردم می پردازند تا آنچه را خواست واقعی مردم است در راس امور و تصمیم گیری های خود قرار دهند. این نظرسنجی باعث می شود مردم بیش از پیش به مجلس و نمایندگان خود در مجلس اعتماد کنند. به این ترتیب نمایندگان پس از برگزیده شدن به عنوان نماینده نیز با مردم در ارتباط و تعامل باقی می مانند. به عقیده من مساله سنجش و پرس و جو از مردم باید به صورت دائمی صورت گیرد نه اینکه هر چهار، پنج سال یک بار و تنها در برهه تبلیغات انتخاباتی چنین اتفاقی رخ دهد.

از سوی دیگر در کشورهایی که دولت سالاری حاکم باشد وسایل ارتباط جمعی به گونه یی توجیه شده اند که در جهت حمایت از دولت حرکت می کنند که این خود عامل نارضایتی را برای مردم فراهم می آورد. بنابراین نوع دموکراسی و نحوه اجرای

صحیح دموکراسی در جوامع به گونه‌ی بی‌که مورد قبول مردم جامعه باشد، بسیار مهم است. آنچه باید در نظر گرفته شود این است که نمایندگان مجلس باید از سوی مردم انتخاب شوند و ایجاد محدودیت در انتخاب نمایندگان نکته‌ی بی‌است که نباید از آن غافل شد چراکه وجود شرایط خاص مثل تأیید نمایندگان منتخب مردم از سوی یک نهاد باعث وجود محدودیت‌های قانونی می‌شود و اینکه اگر کسی بخواهد طبق آنچه از نظر او درست است عمل کند، ممکن است نتواند از فیلتر آن نهاد عبور کند. بنابراین این محدودیت به شکل پرننگی در شرایط فعلی به چشم می‌خورد. البته این حد از محدودیت در همه کشورها دیده نمی‌شود ولی آنچه باید به آن توجه کرد این است که هر کشوری به هر نحوی برای مجلس مشروعیت حزبی یا فردی قائل می‌شود. در ایران نیز این مشروعیت به این ترتیب است که آنچه مردم انتخاب می‌کنند باید از صافی شورای نگهبان عبور کند. اگر مجلس و دولت طبق آنچه در قانون آمده است عمل کنند مردم آن را خواهند پذیرفت چرا که مطمئن هستند عملی غیرقانونی رخ نداده و هر آنچه بوده در چارچوب قانون رخ داده است. اگر مجلس نیز برای مردم جایگاهی قائل باشد تصمیمات از حالت فردی خارج خواهد شد و مصلحت مردم در راس تصمیمات قرار خواهد گرفت اما زمانی که اهداف از حالت مردمی خارج شود و به جای توجه به خواست مردم بوی قدرت بگیرد و به منافع گروه خاص توجه شود مردم در درجه دوم قرار می‌گیرند و حفظ منافع برخی جریان‌های قدرتمند باب می‌شود.

اکنون نیز باید به گونه‌ی بی‌عمل شود که به جای اینکه تصمیمات به سمت پایگاه‌های قدرت کشیده شود، به سمت مردم حرکت کند.